

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اشعار لاهوتی کاوه آهنگر  
فرستنده: جاوید  
۲۱ جنوری ۲۰۱۹

## کاوه آهنگر- ۱۴

پرده پنجم

با اشاره ضحاک فرخ را تماماً رو به روی کاوه نزدیک می آورند

هر چند که فرخ دل و دلبند من است  
جانم جگرم یگانه فرزند من است  
هر وقت نظر کنم به سر تا پایش  
بینم رُخ یازده برادر هایش  
خواهد دل من شادی او را بینم  
(گریه می کند)  
خوشبختی و دامادی او را بینم ...

فرخ

از دیده مردانه پدر اشک مریز  
زین آب مزین بر دل من آتش تیز!  
تو سخت تری ز چکش و سندانم  
پادارتی به مردی از وجدانم  
هرگز، پدرم قبول این ننگ نکن  
وز مردن من خاطر خودتنگ نکن  
خدمت به وطن یگانه پیمان من است

آزادی خلق بهتر از جان من است

### کاوه

خواهید که از برای یک فرزندم  
چشم از وطن و اهل وطن بر بندم؟  
این خلق تمام خویش و پیوند منند  
و آن تازه جوانان همه فرزند منند

با اشاره ضحاک فرخ را می برند

من میهن خود را نفروشم هرگز  
این جامه ننگ را نپوشم هرگز!

محضر را پاره کرده زیر پا لگد می کند.

### شهربان

( شمشیر را می کشد )

بده رخصت ای شاه عالم که من  
سر بی ادب را بگیرم ز تن !

### ضحاک

( پر از واژه با دست بی قوت گویا چیزی را از سینه خود دور می کند. )

نبینی مگر؟ نیزه ای مرگ وار  
نهاده است بر سینه ام استوار...

خاینهای محلی به کاوه هجوم می کنند. از زیر زمین قباد ، فرخ و یک دسته جوانان بیرون می آیند.  
جنگ در می گیرد.

کاوه یک ضحاک را زده می اندازد و پیشدامن خود را به نیزه او آویخته آن را بر افراشته از ایوان به مردم که در  
بیرون هستند نشان می دهد.

توده شهری و کوهستانی های مسلح که پرویز در سر آنهاست به دربار می ریزند.  
فرخ ضحاک را از تخت سرنگون می کند.

### مردم

مبارک باد این فتح نمایان  
همیشه شاد باشید ای جوانان!  
الهی زنده باشد فرخ ما  
خوش و فرخنده باشد فرخ ما!

### جوانان ( به قباد )

جان ما را عقل تو آزاد کرد

### مردم ( همه )

فکر تو دلهای ما را شاد کرد

### قباد

این چنین فکری فقط از من نبود  
عقل این دختر به من یاری نمود  
( نوشافرین را که در بین مردم ایستاده است نشان می دهد )

### مردم

ای قباد پاکدل ، صد آفرین  
آفرین هم بر تو ، هم نوشافرین!

قباد از شنیدن کلمه « پاکدل » اشک شادی می ریزد.  
یکی از آشپزها پیشدامن خود را از روی جامه رزبفت به قباد می پوشاند.  
دیگری کلاه سفید آشپزی خود را به سرش می گذارد  
ادامه دارد